

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال یازدهم، شماره بیست و یکم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سردبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدرضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمدعلی اکبری

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Examining the Reliability of Ahmad bin Hilal Al-'Abarta'i

Mehdi Bagheri¹

Mohammad Faezi²

Abstract

One of the important and influential topics in the science of jurisprudence is examining the reliability of hadith narrators. Ahmad bin Hilal Al-'Abarta'i is one of the narrators from whom numerous jurisprudential and non-jurisprudential narrations remain. The reliability or unreliability of this narrator has long been a subject of disagreement and dispute among jurists. This article examines the doctrine and reliability of this narrator. Six reports regarding the belief and doctrine of this narrator have been mentioned, and the summary of these historical accounts indicates the corruption of doctrine and deviation of Ahmad bin Hilal in his later life. Several arguments have been mentioned regarding the weakness of this narrator: Najashi's weakening in the book of Fihrist, corruption of doctrine, reported weakening from Ibn Ghada'iri, and the exclusion of this narrator from the narrations of the book Nawadir al-Hikmah by Ibn Walid. Additionally, his occurrence in the book Kamil al-Ziyarat and the interpretation of Ali bin Ibrahim, Najashi's description, the abundance of narrations from eminent figures, Sheikh Tusi's statement, the practice of companions, the seniority of permission, and occurrence in Sheikh Saduq's Mashyakhah are evidence of this narrator's reliability. Among all the evidence of weakness and reliability, only Najashi's description and the abundance of narrations from eminent figures are acceptable, and this narrator is reliable.

Keywords: Ahmad bin Hilal, Reliability, Exaggeration, Blaming.

1. Researcher at the Jurisprudential Center of Imams (peace be upon them), Corresponding author; hadibidar.1375@gmail.com.

2. Researcher at the Jurisprudential Center of Imams (peace be upon them), Professor of higher levels; m.faezi110@gmail.com.

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیستم و یکم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

بررسی وثاقت احمد بن هلال عبرتائی

مهدی باقری^۱

محمد فائزی^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم و تأثیرگذار در علم فقه، بررسی وثاقت راویان حدیث است. احمد بن هلال عبرتائی یکی از راویانی است که روایات متعدد فقهی و غیرفقهی از او باقی مانده است. وثاقت و عدم وثاقت این راوی از دیرباز یکی از مباحث مورد اختلاف و نزاع بین فقیهان بوده است. در این نوشته به بررسی مذهب و وثاقت این راوی پرداخته شده است. شش گزارش در مورد عقیده و مذهب این راوی ذکر شده که جمع‌بندی این نقل‌های تاریخی، فساد مذهب و انحراف احمد بن هلال در اواخر عمر است. نسبت به ضعف این راوی نیز ادله متعددی ذکر شده است؛ از جمله: تضعیف نجاشی در کتاب فهرست، فساد مذهب، تضعیف نقل شده از ابن غضائری و استثنا شدن این راوی از روایات کتاب نوادر الحکمه توسط ابن ولید. همچنین وقوع در کتاب کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم، توصیف نجاشی، اکثر روایت اجلاء، کلام شیخ طوسی، عمل اصحاب، شیخوخت اجازه و وقوع در مشیخه صدوق^{علیه السلام} از ادله وثاقت این راوی است. از میان تمام ادله ضعف و وثاقت، تنها توصیف نجاشی و اکثر روایت اجلاء قابل‌پذیرش است و این راوی ثقه است.

کلمات کلیدی: احمد بن هلال، وثاقت، غلو، مذمت.

فقه و اجتهاد / بررسی وثاقت احمد بن هلال عبرتائی

۱. پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، نویسنده مسئول؛ hadibidar.1375@gmail.com

۲. پژوهشگر مرکز فقهی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، استاد سطوح عالی؛ m.faezi110@gmail.com

مقدمه

بررسی وثاقت یا عدم وثاقت راویانی که در سلسله اسناد احادیث واقع شده‌اند یکی از راه‌های اطمینان به صدور احادیث معصومین علیهم‌السلام است. توثیق و تضعیف راویان از مباحث محوری در علم رجال است. در این علم با توجه به راه‌های جرح یا تعدیل که توسط رجالیون به کار برده می‌شود، در نهایت به وثاقت یا عدم وثاقت یک راوی حکم می‌شود.

احمد بن هلال عبرتائی یکی از راویانی است که دارای روایات متعدد فقهی و بعضاً تأثیرگذار است. چنانچه شیخ طوسی در تهذیب ۳۳ روایت و شیخ حرعاملی در کتاب وسائل الشیعه ۴۵ روایت را از ایشان نقل کرده است. به‌طور کلی قریب به صد و نود روایت از ایشان در جوامع روایی (فقهی و غیرفقهی) ثبت شده است. از طرف دیگر نسبت به پذیرش یا عدم‌پذیرش روایات این شخص، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. از همین روی فقیهانی مانند: شیخ طوسی (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۰۴)، علامه حلی (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۱)، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۳) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۴۰۹) و برخی دیگر از فقها، در کتب فقهی به مناسبت وقوع احمد بن هلال در سند برخی روایات فقهی، متعرض وی شده‌اند و نسبت به توثیق و تضعیف ایشان اظهار نظر کرده‌اند. همچنین بسیاری از فقیهان معاصر، مانند حضرات خویی (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۱۱؛ همو، ۱۴۱۸، ج ۲۹، ص ۱۰۲)، فاضل لنکرانی (فاضل لنکرانی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۲۶۴)، روحانی (روحانی، ۱۴۳۵، ج ۱، ص ۱۸۲) و غیره نیز به بحث از این راوی پرداخته‌اند. از میان مقالات نیز مقاله «کاوشی در بازشناسی احمد بن هلال عبرتائی از مدعیان دروغین و کالت» نوشته مسلم کامیاب و امیرمحسن عرفان (انتظار موعود، ۱۳۹۳، شماره ۴۴) به این راوی پرداخته است که البته بیشتر دغدغه نویسنده مباحث کلامی بوده است و از همین روی تنها بعضی از وجوه توثیق و تضعیف این راوی در مقاله بیان شده است و بحث اصلی این مقاله ادعای دروغین و کالت است.

نکته قابل ذکر آنکه روایات متعددی از احمد بن هلال نقل شده است که در مباحث فقهی تأثیرگذار است و محل استدلال و نقد و بررسی فقیهان در مباحث

فقهی واقع شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

- روایتی در باب وضو با آب مستعمل در وضو (آبی که یکبار با آن وضو گرفته شده است و با آن رفع حدث اصغر شده است) (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۱؛ محقق الحلی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۸).

- روایتی در باب فراموشی تطهیر از خبث بعد از بول (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۷۰).

- حدیثی در مورد لباس مصلی (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۳).

- حدیث در مورد فطریه (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۲۵۷) - روایتی در باب نیاز به اذن داشتن روزه مستحب برای میهمان و زن و عبد و فرزند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۵۵)

بنابراین با توجه به تعداد روایات احمد بن هلال و اختلاف جدی موجود در مورد شخصیت و وثاقت این شخص و تأثیر این‌گونه مباحث در فقه و همچنین به دلیل جامع نبودن نوشتارهای سابق، لازم بود مقاله‌ای که به‌طور جامع، ادله توثیق یا تضعیف احمد بن هلال را در بر داشته باشد نگاشته شود تا بتوان به تصمیم‌گیری صحیحی نسبت به توثیق یا تضعیف ایشان دست یافت.

این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به مفهوم‌شناسی وثاقت و سپس به شخصیت‌شناسی احمد بن هلال پرداخته است. پس از آن در دو بخش ادله وثاقت و عدم وثاقت این راوی ذکر گردیده است.

۱. مفهوم‌شناسی وثاقت

درباره معنای ثقه دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی قائل هستند که ثقه معنای اصطلاحی دارد و به معنای عادل ضابط امامی است. در مقابل برخی بر این باور هستند که ثقه در بیان رجالیان به معنای لغوی خود - مورد اعتماد بودن - استعمال شده است. طبق این دیدگاه وثاقت در جاهای مختلف، مفهومی واحد دارد اما در مصداق و تطبیق مورد اعتماد بودن بر آنها، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. با مراجعه به سخنان رجالیان متقدم و بررسی لوازم تعبیرات آنها شواهد و مستندهایی برای نقد

دیدگاه طرفداران نظریه اصطلاح بودن ثقه یافت می‌شود (رحمان ستایش، بی‌تا، ص ۳۳)؛ بنابراین دیدگاه اصطلاح بودن ثقه صحیح نیست. یکی از راه‌های رسیدن به وثاقت راوی و اعتماد به قول وی (با توجه به فاصله زمانی روات تا امروز) رجوع به قول رجالیان است. راجع به حجیت قول رجالی اقوالی مطرح است. یکی از اقوال حصول اطمینان و وثوق از اقوال رجالیان یا قرائن دیگر بر وثاقت راوی است. در این نوشتار بر اساس این مبنا شرایط وثاقت احمد بن هلال بررسی شده است.

۲. شخصیت‌شناسی

احمد بن هلال عبرتائی طبق گفته ابوعلی بن همام، متولد سال ۱۸۰ و متوفی ۲۶۷ در زمان نیابت محمد بن عثمان العمری، نایب دوم حضرت حجت ارواحنفاذ است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳). نجاشی کنیه وی را ابو جعفر برمی‌شمرد. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳) عبرتائی منسوب به عبرتاء است که روستای بزرگی از توابع بغداد و در منطقه نهر وان است (الحموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۷۸). از القاب دیگر احمد بن هلال، هلالی (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۱۱) العبری (ابن طاووس، ۱۴۰۶، ص ۸۵) البغدادی (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۴) و کرخی است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۴۵، ص ۴۵۸).

شیخ طوسی ایشان را در دو طبقه اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام ذکر کرده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۸۴ و ۳۹۷). وی از امام هادی علیه السلام به نحو مکاتبه و همچنین از محمد ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب، عبد الله بن مسکان، یاسر الخادم، محمد بن سنان، أحمد بن محمد بن ابی نصر، أمیه بن علی القیسی، ابی سعید الخراسانی، أحمد بن عبدالله الکرخی، أحمد بن محمد، أمیه بن عمرو، حسن بن علی بن یقطین، علی بن عطیه، عمرو بن عثمان، عیسی بن عبدالله بن عبدالله الهاشمی، محمد بن الولی، مروک بن عبید و یونس بن عبدالرحمن روایت کرده است به گونه‌ای که در اسناد، روایات زیادی از ائمه علیهم السلام واقع شده است.

و روایانی از او روایت کرده‌اند که عبارت‌اند از: عبدالله بن العلامذاری، عبدالله بن جعفر، ابراهیم بن محمد الهمدانی، أحمد بن محمد بن عبدالله، أحمد بن موسی النوفلی، الحسن بن علی، الحسین بن علی الزیتونی، سعد بن عبدالله، علی بن محمد و محمد بن ابی قتاده، محمد بن أحمد بن یحیی، محمد بن علی بن محبوب، محمد

بن عیسی، موسی بن الحسن و فروک بن عبید (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۵۹؛ ساعدی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۳۷).

به گفته شیخ طوسی اکثر اصول اصحاب را ایشان نقل کرده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۸۳). دو کتاب «یوم و لیل» و «نوادر» از تألیفات ایشان است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳).

۳. اقوال در مسئله

در مجموع چهار دیدگاه درباره احمد بن هلال وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. تضعیف مطلقاً (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۱؛ شهید ثانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۰۴۰).

۲. توثیق مطلقاً (خویی، ۱۴۱۸، ج ۲۸، ص ۴۷۹؛ شبیری، بی تا، ج ۵، ص ۵۶۷).

۳. برخی گفته‌اند آنچه را که از مشیخه حسن بن محبوب و از کتاب نوادر ابن ابی عمیر نقل می‌کند مورد قبول است، اما بقیه روایاتش مورد قبول نیست (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۲؛ حلی، ۱۳۴۲، ص ۴۲۵).

۴. آنچه را قبل از نصب و در حال استقامت، نقل کرده قبول است و آنچه بعد از نصب نقل می‌کند مورد قبول نیست (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱).

۴. ادله عدم وثاقت احمد بن هلال

ادله متعددی بر عدم وثاقت احمد بن هلال اقامه شده است که در ذیل به بررسی هر یک می‌پردازیم:

۴.۱. کلام نجاشی «... یعرف منها و ینکر»

از ادله عدم وثاقت احمد بن هلال، کلام نجاشی درباره ایشان است که می‌گوید: «یعرف منها (الروایه) و ینکر» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳). این عبارت دلیل بر این است که بعضی از روایات احمد بن هلال مورد پذیرش نیست و از همین روی و از آنجا که تمیز بین روایات مورد قبول و غیرقابل قبول داده نشده است، هیچ یک از روایات احمد بن هلال پذیرفته نمی‌شود.

نقد و بررسی: برای بررسی این دلیل ابتدا باید معنای تعبیر «یعرف منها و ینکر»

مشخص شود. این تعبیر و تعابیر مشابه آن در کلام نجاشی در مورد نه نفر غیر از احمد

بن هلال ذکر شده است (نجاشی، ۱۳۶۵، رقم ۶۹؛ ۱۸۳؛ ۲۷۷؛ ۴۶۸؛ ۵۲۶؛ ۶۲۴؛ ۷۴۰؛ ۷۵۳؛ ۹۰۳). همچنین در کتاب ابن غضائری در مورد ۱۳ تن از روایت این تعبیر آمده است (ابن غضائری، ۱۳۶۵، ص ۳۷؛ ۴۳؛ ۴۷؛ ۴۹؛ ۵۶؛ ۶۶؛ ۷۳؛ ۷۸؛ ۸۶؛ ۹۳؛ ۹۴؛ ۹۶؛ ۸۶). در کلام شیخ طوسی نیز تنها در مورد اسماعیل بن علی بن رزین و احمد بن الحسین بن سعید بن حماد وارد شده است.

با ملاحظه موارد استعمال و تبادل ناشی از آن در میابیم که این تعبیر بدین معناست که بعضی از روایات شخص مورد پذیرش و پاره‌ای نیز غیر قابل پذیرش و قبول است. بسیاری از اساتید نیز همین استظهار را از این تعبیر داشته‌اند (دروس رجال سید جواد شبیری زنجانی جلسه ۵۲ سایت مدرسه فقهت؛ شهیدی جلسه ۹۱ - سه‌شنبه ۱۳۱۱/۰۱/۰۶) و در کتب رجالی و فقهی نیز به آن تصریح شده است (میرداماد، ۱۳۱۱، ص ۱۰۹؛ خواجه‌بوی، ۱۴۱۳، ص ۱۴۲؛ خوبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۲؛ شبیری، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۶۳۲۷). آنچه به نظر صحیح می‌رسد این است که تعبیر «يعرف و ينكر» دال بر ضعف شخص نیست؛ زیرا این تعبیر حکمی در مورد روایات شخص، بیان می‌کند که بعضی از روایات این شخص مورد پذیرش نیست؛ ولی نسبت به این امر که علت عدم پذیرش روایات چه چیزی است ساکت است و از همین روی دلیلی بر ضعف راوی نیست. توضیح آنکه پذیرش یا عدم‌پذیرش روایت تنها دایره مدار وثاقت یا عدم وثاقت یک راوی نیست؛ بلکه معیارها و ملاک‌های متعددی در این امر مؤثر هستند و قدمای اصحاب قبل از رایج شدن تقسیم‌بندی حدیث به صحیح، حسن، موثق و ضعیف، برای حکم به صحت یک روایت ملاک‌های متعددی را در نظر می‌گرفتند و به مجرد وثاقت راوی، حکم به صحت نمی‌کردند؛ کما اینکه به مجرد عدم وثاقت راوی، حکم به ضعف روایت نمی‌کردند و از همین باب است که مرحوم شیخ صدوق حکم به صحت تمام روایات کتاب من لایحضره الفقیه نموده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳) و مرحوم کلینی کتاب خود را مشتمل بر آثار صحیحه می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸) و مرحوم شیخ بهایی در کتاب خود بعضی از این ملاک‌ها و معیارها را بیان نموده است (بهایی، بی‌تا، ص ۲۶ - ۳۰). با توجه به آنچه بیان شد، باید گفت حکم به عدم‌پذیرش بخشی از روایات احمد بن هلال ممکن است از

این باب باشد که روایات او نزد نجاشی دارای ملاک‌های حجیت نبوده است؛ مثلاً دارای مطالب غلو انگیز بوده یا با مسلمات فقهی ناسازگار بوده است، ولی این امر دلیل بر ضعف احمد بن هلال نیست؛ زیرا اولاً عدم پذیرش روایات احمد بن هلال نظر اجتهادی نجاشی و احتمالاً حاصل اجتهاد و متن‌شناسی و تطبیق معیارهای قبول روایت بر روایات احمد بن هلال است و برای ما حجت نیست (عدم حجیت در این فرض نیاز به توضیح داشته و طبق مبانی مختلف دارای نتیجه متفاوت می‌باشد. بیان اجمالی بحث آنکه قول رجالی اگر از باب خبر ثقه حجت باشد باید گفت احتمال حدسی بودن کلام نجاشی مانع حجیت کلام وی است، مگر آنکه با اصالت الحس یا ظهور حال گوینده در حسی بودن کلام بتوان آن را نفی نمود ولی در مواردی که احتمال حدسی بودن از معمول خبرهای واحد بیشتر باشد و یا قرینه‌ای بر آن اقامه شود، نمی‌توان این احتمال را نفی نمود) و ثانیاً در فرض اینکه کلام نجاشی مبنی بر عدم پذیرش روایات احمد بن هلال بر ما حجت باشد، باز دلیل بر عدم وثاقت این راوی نیست؛ بلکه ممکن است احمد بن هلال تنها ناقل روایات ضعیف باشد و جعل و وضع توسط راویان دیگری رخ داده باشد.

۲.۴. کلام نجاشی «... وقد ورد فيه ذموم من سيدنا أبي محمد الحسن بن علي العسكري عليه السلام»

دومین دلیل بر عدم وثاقت احمد بن هلال، شهادت نجاشی به ورود ذم از طرف امام عسکری عليه السلام نسبت به احمد بن هلال است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳).

نقد و بررسی: بحث از اینکه ذموم وارد شده آیا دال بر عدم وثاقت احمد بن هلال است یا چنین دلالتی ندارند را در نقد و بررسی دلیل سوم مطرح خواهیم کرد. اما نکته‌ای که اینجا باید ذکر کنیم این است که آنچه از مذمت‌ها به دست ما رسیده، همه از توقیعات ناحیه مقدسه است (داوری، ۱۴۱۶، ص ۵۰۵؛ سند، ۱۴۲۹، ص ۲۷۹) حال یا در حیات یا بعد از موت احمد بن هلال و یا به دست محمد بن عثمان و یا حسین بن روح بوده است. به دلیل اینکه توقیعاتی که بعد از موت ابن هلال بوده واضح است که از ناحیه مقدسه است؛ چون موت او در ۲۶۷ بوده، اما شهادت حضرت عسکری در ۲۶۰ بوده است.

تنها گزارشی که می‌تواند شائبه اینکه توقیعی از طرف امام عسکری عليه السلام بوده باشد ۲۴۹

را ایجاد کند، گزارش اول است که به دست قاسم بن علا رسیده است. ایشان از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام است، اما باید بگوییم در آن توقیع این چنین آمده: «حال و وضع او را در زمانی که زنده بود برای دوستان خود توضیح دادم و دستور دادم که به ارادتمندان ما گوشزد کنند که ما هم از او و هم از کسی که از او بیزاری نجوید، بیزاریم» بنابراین این توقیع نیز بعد موت ابن هلال بوده است. همچنین این عبارت ظهور در این دارد که از یک امام صادر شده است؛ یعنی در این توقیعی که بعد از موت ابن هلال صادر شده و قطعاً از ناحیه مقدسه است و حضرت به دستور خود در زمان حیات ابن هلال اشاره می‌فرمایند؛ بنابراین آن توقیع نیز از ناحیه مقدسه بوده است.

افزون بر اینکه شیخ طوسی در کتاب الغیبه فرموده توقیع بر قاسم بن علا از حضرت صاحب وارد شده نه امام عسکری؛ گرچه او را درک کرده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۱۰؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۷۶). همچنین کلام طبرسی در احتجاج نیز ظاهر در این است که از ناحیه مقدسه توقیع نسبت به ایشان صادر شده، چنانچه می‌فرماید: از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام هم توقیعی مبنی بر لعن و دوری از احمد بن هلال و سایر منحرفین صادر گشت (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۴).

۳-۴. فساد مذهب

راجع به مذهب و عقیده احمد بن هلال و جوهری مطرح شده است: برخی او را به غلو و برخی به نصب و برخی به وقف بر اَبی جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری نایب دوم حضرت حجت علیه السلام نسبت داده‌اند. همچنین لعن و براءت امام علیه السلام نسبت به او نیز نقل شده است.

شیخ انصاری می‌گوید گاهی او را متهم به ناصبی بودن و گاهی متهم به غالی بودن می‌کنند و چقدر فاصله است بین غلو و نصب و ایشان می‌فرماید گویا اصلاً مذهبی نداشته است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۴).

بنابراین، گزارش‌هایی که راجع به احمد بن هلال وجود دارد را ابتدا ذکر کرده و سپس به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. گزارش اول گزارشی است که کشی از احمد بن ابراهیم مراغی نقل می‌کند

(کَشَى، ۱۴۰۹، ص ۵۳۵) از این گزارش به دست می‌آید که اولاً امر به پرهیز از احمد بن هلال ابتدا به خواص از اصحاب صادر شده بود. ثانیاً احمد بن هلال فرد ظاهر الصلاح و زاهدی بوده است چنانچه اصحاب، ملعون بودن وی را باور نمی‌کردند و تا سه مرتبه درباره او با حضرت مکاتبه شد. ثالثاً ایشان مورد مراجعه اصحاب در عراق برای دریافت حدیث بوده است. رابعاً این گزارش بعد فوت احمد بن هلال بوده است. خامساً از ظاهر مذمت‌های حضرت به دست می‌آید که احمد بن هلال بدون اذن و رضایت حضرت در امور ایشان دخالت کرده و از دستورات ایشان نیز سرپیچی می‌کرده و در کارهای مرتبط با امام علیه السلام اعمال نظر می‌کرده است.

۲. گزارش دوم گزارشی است که شیخ الطائفه در کتاب «الغیبه» از جمعی از علما، از ابوالحسن محمد ابن احمد بن داود قمی نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۷۳) که این گزارش ظاهراً در ارتداد احمد بن هلال است — به فرض اینکه تعبیر احمد بن هلال صحیح بوده باشد نه احمد بن بلال، چرا که در کتاب الغیبه و بحار تعبیر به احمد بن بلال شده است اما ظاهراً احمد بن هلال صحیح باشد؛ چون ابن بلال گرچه از سفراء مذموم می‌باشد اما اسم او احمد نیست بلکه محمد بن علی بن بلال با کنیه ابی طاهر می‌باشد — همچنین این گزارش نیز بعد از فوت ابن هلال است؛ چرا که بر اساس سال فوت احمد بن هلال ایشان حسین بن روح را درک نکرده است.

۳. گزارش سوم گزارشی است که شیخ طوسی در کتاب الغیبه در باب کسانی که به دروغ ادعای باییت و سفارت کردند، راجع به احمد بن هلال نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۹۹). از این گزارش به دست می‌آید که اولاً احمد بن هلال بر نیابت محمد بن عثمان توقف نموده است. ثانیاً شیعیان پس از مخالفت او با محمد بن عثمان او را ملعون دانسته و از وی دوری کردند. ثالثاً پس از این جریان توقیعی به دست حسین بن روح صادر شد که حضرت او را لعنت نموده و به شیعیان امر کرده بود که از او دوری جویند.

۴. گزارش چهارم گزارشی است که شیخ صدوق از پدرش از ابوجعفر مروزی نقل می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۹). نکاتی که از این گزارش به دست می‌آید

عبارتند از اینکه اولاً این گزارش نیز بعد از فوت احمد بن هلال صادر شده است. ثانیاً راجع به تعبیر «قصدا» باید بگوییم که «قصد» در لغت به معنای توجه کردن، اعتماد، اعتدال، شکستن و وادار کردن آمده. همچنین باب افعال از این ماده به معنای قتل و طعن نیز استعمال شده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۹۱)؛ بنابراین با توجه به سیاق عبارت از این تعبیر نحوه‌ای از اقدام از طرف احمد بن هلال بر علیه امام علیه السلام را می‌توان استفاده نمود.

۵. گزارش پنجم کلامی است که شیخ صدوق از استاد خود، ابن ولید، نقل می‌کند که ایشان از سعد بن عبدالله نقل کرده است: ما ندیده و نشنیده‌ایم شیعه مذهبی که از تشیع به ناصبیت رود جز احمد بن هلال (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۶).

۶. گزارش ششم گزارش طبرسی در کتاب الإحتجاج است (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۴). نکته حاصل از این گزارش نیز عبارت است از اینکه امام علیه السلام پس از بیان کفر و ارتداد و لعن و برائت نسبت به شلمغانی، وی را همانند افراد دیگری مثل هلالی قرار می‌دهد. لذا شاید بتوان از این بیان فساد مذهب هلالی را نیز برداشت نمود.

همچنین در عبارات متعدد تصریح به فساد مذهب احمد بن هلال شده است: شیخ طوسی در فهرست می‌فرماید: «إِنَّهٗ كَانَ غَالِيَا مَتَّهَمًا فِي دِينِهِ» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۰) و یا در تهذیب می‌فرماید: «مشهور بالغلو و اللعنة» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۰۴). همچنین در استبصار می‌فرماید: «ضعيف فاسد المذهب» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸). همچنین علامه حلی در الخلاصه می‌فرماید: «غال» (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۲).

نقد و بررسی: راجع به نسبت غلو و نصب باید بگوییم مراد از غلو نسبت به این راوی ظاهراً غلو در محبت نیست که با نصب منافات داشته باشد؛ بلکه مقصود از غلو، قول به حلول و مانند آن از عقائد فاسده‌ای است که به برخی مانند شلمغانی نسبت داده شده است و از لوازم آنها ترک عبادت و انجام محرمات مثل زنا و لواط بوده است (سیستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۲). براین اساس ما دلیل مستقلی نه بر اصل غلو و نه لوازم غلو نسبت به احمد بن هلال نداریم مگر گزارش ششم که در آن حضرت وی را در شمار افرادی قرار می‌دهند که از لوازم غلو مثل ارتکاب محارم و مانند آن، نسبت به آنها دلیل داریم. در مقابل می‌توان از برخی روایات خلاف این مدعا را

اثبات نمود. مثل روایت محمد بن همام که می‌گوید: حسین بن احمد مالکی به ما گفت که به احمد بن هلیل کرخی گفتم: آیا آنچه درباره غلو محمد بن سنان گفته می‌شود درست است؟ وی گفت: «پناه بر خدا، به خدا سوگند او بود که به من طهارت و جلوگیری از بیرون آمدن همسرم از خانه را آموخت. وی بسیار زاهد و متعبد بود» (ابن طاووس، ۱۴۰۶، ص ۱۳). گرچه ممکن است گفته شود که این روایت زمان استقامت راوی را بازگو می‌کند و ممکن است احمد بن هلال در اواخر عمر منحرف شده باشد که در این صورت تنها اصل انحراف ثابت می‌گردد؛ چرا که چنانچه گذشت ما دلیلی بر غلو نداریم. همچنین نسبت به نصب اگر مراد از نصب مخالفت با اوامر امام علیه السلام بوده باشد، این معنا با تعبیر عبدالله بن سعد که فرمود ما ندیده و نشنیده‌ایم شیعه مذهبی که از تشیع به ناصیبت رود جز احمد بن هلال (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۶) سازگار نیست؛ چرا که بودند اصحابی که با اوامر امام علیه السلام مخالفت می‌کردند. بنابراین مقصود از نصب، ظاهراً همان معنای معروف است (سیستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۳) و شاید بتوان از تعبیر «قصدا» در گزارش چهارم با توجه به معنای این تعبیر نصب را استفاده نمود.

توقیعات در ذم احمد بن هلال، به دست ابی جعفر محمد بن عثمان عمری رسیده است که در اواخر عمر وی بوده است به گونه‌ای که اگر نقل وفات ایشان و جناب عثمان بن سعید العمری صحیح بوده باشد، در این صورت توقیعات در چند سال آخر احمد بن هلال به دست ابی جعفر محمد بن عثمان عمری رسیده است؛ چرا که جناب عثمان بن سعید عمری قبل از ۲۶۷ و احمد بن هلال در ۲۶۷ وفات کرده‌اند.

با توجه به گزارش‌های ذکر شده نسبت به انحراف احمد بن هلال و سرپیچی ایشان از امام علیه السلام و انکار نیابت ابی جعفر محمد بن عثمان العمری و همچنین نسبت به اینکه انحراف وی در اواخر عمر ایشان بوده، اطمینان حاصل می‌شود. اما از حیث پذیرش و حجیت روایات ایشان و اینکه آیا انحراف او مضر به وثاقت است یا نه؟ پس از بررسی ادله دیگر در جمع‌بندی توضیح داده خواهد شد.

تضعیفات دیگری نیز نسبت به احمد بن هلال وارد شده است که به نظر می‌رسد

مبتنی بر فساد مذهب وی بوده باشد.

شیخ طوسی در تهذیب و استبصار می‌فرماید: روایاتی که به احمد بن هلال اختصاص دارد، به آنها عمل نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۷۶). یا در استبصار می‌فرماید: به روایتی که نقل آن اختصاص به احمد بن هلال داشته باشد التفات نمی‌شود (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۸).

اولین نکته‌ای که باید بگوییم این است که ظاهراً این تعبیر در میان قدما، رفتار عملی نسبت به روایات راوی ضعیف بوده است؛ یعنی این تعبیر کاشف از وجه ضعف نیست. ثانیاً با توجه به آنچه که شیخ طوسی در عدة الاصول (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱) راجع به اخبار غلات و منحرفین فرمودند و با توجه به موارد استفاده از این عبارت و ظاهر کلام ایشان در تهذیب و استبصار و آنچه که در رجال و فهرست راجع به احمد بن هلال فرمودند که تنها به غالی بودن ایشان اشاره کردند، به نظر می‌رسد این دو عبارت نیز بازگشت به همان فساد مذهب ایشان دارد و نکته افزوده‌ای ندارد و همان فساد مذهب احمد بن هلال موجب به کار بردن این تعبیر شده است.

سعد بن عبدالله بعد از ذکر رجوع احمد بن هلال از تشیع به نصب می‌فرماید: «مشایخ و استادان گویند: آنچه را که در روایت آن احمد بن هلال منفرد است، عمل بدان جایز نیست» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۷۶).

این عبارت نیز به‌خاطر دلیلی که در کلام شیخ طوسی بیان شد، دلالت مستقلاً بر ضعف ندارد. افزون بر اینکه معروف بین اصحاب (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۵) این است که سعد بن عبدالله نسبت به مذهب راوی سخت‌گیر بوده و از کسانی که مذهب فاسدی داشتند نقل روایت نمی‌کرده (گرچه ممکن است راجع به این انتساب به اطمینان نرسیم ولی می‌تواند در حد قرینه ظنی باشد) و حال آنکه تعداد روایات ایشان از احمد بن هلال کم نمی‌باشد.

همچنین علامه در انتهای ترجمه احمد بن هلال فرموده: «عندی آن روایت غیر مقبولة». ایشان در دو کتاب فقهی مختلف الشیعه (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۲۷۱؛ ج ۲، ص ۸۱) و مواضع متعددی از منتهی المطلب (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۷ و ۱۳۵ و ۲۶۲؛ ج ۲، ص ۱۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۳۲۰؛ ج ۴، ص ۶۷ و ۲۲۵؛ ج ۸، ص ۴۷۱) به مناسبت متعرض احمد بن هلال شده‌اند و در اکثر موارد عبارت «ضعیف جدا» و در برخی موارد

تعبیر «غال» و «ورد فيه ذموم من مولانا أبي محمد العسكري عليه السلام» و در یک مورد نیز به کتاب‌های رجالی خود ارجاع داده است. اما در دو مورد ایشان به علت تضعیف احمد بن هلال اشاره کرده است. در یک مورد در کتاب *متهی المطلب می‌فرماید:* «هو [أحمد بن هلال] ضعيف جدا، قال الشيخ: هو غال و قال النجاشي: ورد فيه ذموم من سيدنا العسكري عليه السلام، فلا تعويل على روايته إذن.» (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۵۱). همچنین در مورد دیگری در کتاب *مختلف الشیعه می‌فرماید:* «إلا أن غلوه عندنا يمنع من قبول روايته» (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۱). بنابراین استناد ایشان به همان ذم و لعن وارد در حق احمد بن هلال بوده است.

۴.۴. تضعیف ابن غضائری

از دیگر ادله عدم وثاقت احمد بن هلال، توقّف ابن الغضائری نسبت به روایات ایشان است. کلام ابن غضائری این چنین است: «أرى التوقف في حديثه» (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۲؛ حلی، ۱۳۴۲، ص ۴۲۵). توقّف ظاهراً در این است که ابن غضائری نسبت به احمد بن هلال مطمئن نبوده و نتوانسته به نتیجه‌ای برسد؛ بنابراین این عبارت می‌تواند دال بر تضعیف وی بوده باشد.

نقد و بررسی: این تضعیف مبتنی بر پذیرش صحت انتساب و حجیت کتاب ابن غضائری است که میان محققین محل اختلاف است. برخی مانند محقق خویی اصل انتساب این کتاب را مخدوش و غیر ثابت می‌دانند (اشکال اساسی این است که نسخه‌ای که به دست مرحوم ابن طاوس و شاگردان ایشان مانند علامه و ابن داود رسیده است طریق معتبر به ابن غضائری ندارد) (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۹۵). همچنین برخی دیگر گرچه انتساب کتاب را ثابت می‌دانند؛ ولی از آنجاکه تضعیفات ابن غضائری مبتنی بر اجتهاد و متن‌شناسی بوده است، تضعیفات وی را نپذیرفته‌اند (شیری، بی تا، ج ۵، ص ۲۸۶).

۵.۴. استثنای ابن ولید

از دیگر ادله عدم وثاقت احمد بن هلال این است که ابن ولید او را از روات کتاب نوادر الحکمه استثنا کرده است و همین، امر را دال بر ضعف راویانی که استثنا

شده‌اند و وثاقت باقی راویان شمرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۸). ابن نوح و صدوق نیز که جزء مکتب قم بودند و در امر روایت سخت‌گیر بودند، از وی تبعیت کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۷۲). افزون بر اینکه شیخ طوسی در استبصار در مواردی از همین طریق به تضعیف راویان می‌پردازد (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۷؛ همان، ج ۳، ص ۱۵۶).

نقد و بررسی: در مقام بررسی صحت این تضعیف باید چند نکته ملاحظه شود:

اول: طبق یک برداشت از کلام مرحوم شیخ، این توثیق تنها ناظر به محتوای روایات بوده است و موارد استثناء شده، کسانی هستند که محتوای روایات ایشان قابل قبول نبوده است. دلیل این برداشت عبارت شیخ علیه السلام است که می‌فرماید: «إلا ما كان فيه من تخلیط و هو (الذی یکون) طریقہ...» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۱۰).

دوم: عده‌ای از راویان که مورد استثناء قرار گرفته‌اند، وثاقتشان از طرق دیگر اثبات شده است یا اینکه در بین رجالیان محل نقد و نظر جدی است. بعضی از این افراد بدین نام هستند: محمد بن عیسی بن عبید، حسن بن حسین لولوی، جعفر بن محمد بن مالک، سهل بن زیاد آدمی (ر.ک: شبیری، ۱۳۹۸، ص ۱۳ تا ص ۱۹).

سوم: روش قدما در تضعیف راویان، متفاوت با رجالیان متاخر می‌باشد. بسیاری از اوقات ایشان افراد را به عللی مانند: نقل از ضعفا، حکایت روایات ضعیف (مخصوصا اگر محتوای روایات غالیانه باشد)، نقل به صورت وجاده (و یا بدون اخذ اجازه از شیخ)، ضعف در مذهب و... تضعیف می‌نموده‌اند.

چهارم: جناب ابن ولید روشی سخت‌گیرانه‌ای نسبت به قبول روایات داشته است و از طرفی موضع‌گیری سختی نسبت به غلو داشته است.

پنجم: احمد بن هلال عبرتائی شخصی بوده است که مورد طرد و لعن واقع شده است و انحراف فکری او قابل انکار نیست.

از مجموع این نکات این‌گونه برداشت می‌شود که کلمات ابن ولید در مورد احمد بن هلال نمی‌تواند موجب اطمینان به ضعف و عدم‌پذیرش این راوی باشد؛ بلکه احتمال قوی وجود دارد که استثنای ابن ولید ناظر به انحراف فکری و مذهبی احمد بن هلال باشد.

۵. ادله وثاقت احمد بن هلال

در مقابل نیز برای وثاقت احمد بن هلال به ادله‌ای استناد می‌شود که در ادامه به شرح و توضیح آنها می‌پردازیم و سپس آنها را نقد و بررسی خواهیم کرد.

۵. ۱. وقوع در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی

از توثیقات عامی که برای وثاقت احمد بن هلال بدان استدلال شده، واقع شدن ایشان در اسناد کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی است (خوبی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۲). مرحوم خوبی این توثیق عام را پذیرفته و با تمسک به آن بسیاری از روایات را توثیق نموده است (خوبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۹). در این کتاب در دو مورد احمد بن هلال در طریق روایات واقع شده است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۰؛ همان، ج ۲، ص ۱۱۲).

نقد و بررسی: اولین نکته‌ای که باید گفت این است که عبارت مذکور در دیباچه کتاب ظهوری در حصر ندارد و این‌گونه نیست که اگر نویسنده بر روایتی دست‌یافت که قرائن صدق و صحت بر آن موجود است ولی روایت آن توثیق نشده‌اند، از ذکر آن خودداری کند (مخصوصاً آنکه روش قدما در اعتبارسنجی حدیث مبتنی بر امور مختلفی از قرائن و شواهد بوده است). همچنین رفتار ایشان در متن کتاب که روایات مرسل و نقل از راوی ضعیف را در بردارد، گرچه نمی‌تواند به کلیت یک قاعده رجالی تا زمانی که به تخصیص اکثر نرسیده ضرری وارد کند، اما به نظر می‌رسد مانع از ظهور این عبارت در شهادت ایشان نسبت به توثیق تمام روایات کتاب می‌گردد.

دومین نکته‌ای که باید مورد نظر باشد صحت نسخه موجود از کتاب تفسیر علی بن ابراهیم است. به نظر، نسخه موجود دارای خلل جدی است و حتی اگر ظهور عبارت دیباچه را در توثیق مشایخ علی بن ابراهیم بپذیریم، با توجه به شبهه عدم اعتبار نسخه موجود، نمی‌توان وثاقت اشخاص واقع در سند را برداشت نمود (مگر افرادی که به علت کثرت روایات، یقین کنیم در اسناد این کتاب واقع شده‌اند؛ مانند ابراهیم بن هاشم یا برای توثیق به نقل کتاب‌های دیگر از این کتاب تمسک نماییم؛ مثلاً به مواردی که در تفسیر مجمع‌البیان یا تبیان از این کتاب نقل کرده است رجوع کنیم).

نتیجه آنکه این استدلال تنها در نظر کسانی تام خواهد بود که اولاً انتساب نسخه

موجود به علی بن ابراهیم را تام بدانند و ثانیاً استظهار از عبارت ایشان در مقدمه کتاب توثیق، تمام روات مذکور در کتاب باشد. در حالی که هر دو امر مورد مناقشه است.

۵. ۲. وقوع در اُسناد کامل الزیارات

یکی دیگر از توثیقات عام که می‌توان بر وثاقت احمد بن هلال بدان استدلال کرد وقوع ایشان در اسناد کتاب شریف کامل الزیارات، تألیف جعفر بن محمد بن قولویه (متوفی ۳۶۷ یا ۳۶۹ق)، است. در این کتاب در سه مورد احمد بن هلال در طریق روایات واقع شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۹، ۱۸۲، ۲۱۹).

نقد و بررسی: احتمال دارد عبارت مذکور در مقدمه این کتاب، نه توثیق مشایخ بلاواسطه باشد و نه توثیق تمام افراد سند، بلکه ابن قولویه رضی الله عنه خواسته است صحت مصادری که روایات خود را از آنها اخذ کرده است را بیان کند و با توجه به اینکه هنگامی که سند را معنعن تا معصوم رضی الله عنه ذکر می‌کند معلوم نیست از کدام مصدر نقل می‌کند و کدام یک از افراد سند، صاحب کتابی است که ابن قولویه از کتاب او روایت را نقل کرده است، نمی‌توان وثاقت شخصی را ثابت کرد؟؟

اما بعد از قبول دلالت عبارت ابن قولویه بر توثیق نسبت به اینکه آیا راویان باواسطه و بلاواسطه هر دو را شامل می‌شود یا تنها راویان بلاواسطه را شامل می‌شود، اختلاف نظر وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی فقط راویان بلاواسطه را پذیرفته‌اند. (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱۰، ص ۱۶۵)

به هر حال حتی اگر ظهور عبارت مقدمه این کتاب را در توثیق تمام مشایخ ابن قولویه بپذیریم، باید گفت تعداد موارد نقض به‌اندازه‌ای است که نمی‌توان این توثیق را قبول نمود و از همین روی بوده است که مرحوم خوئی در اواخر عمر شریف خود از مبنای توثیق روات کامل الزیارات عدول نموده و قائل به وثاقت خصوص مشایخ بلاواسطه ابن قولویه شدند (سیستانی، ۱۴۳۷، ج ۱، ص ۹۱).

۵. ۳. کلام نجاشی «صالح الروایه»

از ادله وثاقت احمد بن هلال، کلام نجاشی درباره ایشان است که می‌گوید: «صالح الروایه» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳). تعبیر صالح الروایه در کلام نجاشی دال بر وثاقت

احمد بن هلال در نزد نجاشی است (شبییری، بی تا، ج ۲۰، ص ۶۳۲۷). به عبارت دیگر احمد بن هلال از جهت تحدیث، صالح و مورد اعتماد است. گرچه ممکن است بر اساس معیارهای دیگر اعتبارسنجی مثل محتوای نقل شده و یا مروی عنه، نجاشی روایات او را قبول نکند.

نقد و بررسی: تعبیر «صالح الروایه» در رجال نجاشی، تنها در ترجمه احمد بن هلال بکار رفته است؛ بنابراین نمی توان برای نجاشی در به کاربردن تعبیر صالح الروایه دأبی اتخاذ کرد. در کتب دیگر رجالی و در کتب درایه نیز این تعبیر (با این ترکیب) یافت نشد. اما تعبیر صالح الحدیث در کتب درایه و اصطلاح شناسی الفاظ رجالی به کار رفته است (شهید ثانی، بی تا، ص ۲۰۵؛ میرداماد، ۱۳۱۱، ص ۶۰) ولی در کتب رجالی تنها در رساله ابی غالب زراری در ترجمه عبد الملک بن أعین، ذکر شده است (زراری، ۱۳۶۹، ص ۲۱۶). تعبیر صحیح الحدیث و صحیح الروایه در رجال نجاشی متعدد به کار رفته است و در کتب دیگر رجالی و فهرستی نیز به کار رفته است.

در کتب درایه تعبیر صالح الحدیث عمدتاً دال بر مدح است و دلالتی بر توثیق ندارد. چنانچه مرحوم اعرجی می فرماید: حکم به صحت حدیث متصف به این وصف (صالح الحدیث) بعید نیست (اعرجی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۲). این تعبیر با تعبیر صحیح الحدیث یا صحیح الروایه از جهت معنایی متفاوت است و برخی آن را دال بر توثیق دانسته اند. چنانچه شهید ثانی؛ بین صحیح الحدیث و صالح الحدیث فرق قائل شده؛ اولی را از الفاظ صریح در تعدیل و دومی را از الفاظ غیر صریح و مفید مدح می داند و در توضیح فرموده تعبیر صالح یک وصف اضافی است به گونه ای که روایت موثق نسبت به ضعیف صالح است و همین طور باقی اقسام حدیث (شهید ثانی، بی تا، ص ۲۰۷). گرچه برخی دیگر تعبیر صحیح الحدیث را نیز به معنای مدح دانسته اند (بهبهانی، بی تا، ص ۲۷).

بنابراین با توجه به اینکه رجالیون در به کاربردن الفاظ توثیق، خصوصاً ثقه به طور مطلق به موارد متعددی مثل مذهب و... توجه می کنند؛ این تعبیر در ناحیه احمد بن هلال می تواند متضمن اعتبار وی، صرفاً در امر تحدیث باشد. گرچه که در روایات او مواردی ناشناخته از جهت محتوا و یا نقل از راویان غیر معتمد وجود دارد که

تعبیر «يعرف منها و ينكر» در کلام نجاشی دال بر آن است. افزون بر آن ذیل کلام نجاشی، حاکی از آن است که ایشان از مذمت‌های وارده در حق احمد بن هلال باخبر بوده است و باین حال تعبیر «صالح الروایه» را که وصف برای راوی است را بکار برده است. از طرف دیگر ایشان احمد بن هلال را در طریق به کتب افرادی مثل أحمد بن محمد بن عمرو و أمیه بن علی القیسی و علی بن أسباط بن سالم و محمد بن الفرّج الرّحجی و مروان بن مسلم قرار داده است.

اما راجع به آنچه که صاحب قاموس الرجال گفته که «چگونه این فرد صالح الروایه است در حالی که از عمل به مقتضای روایاتی که او در نقل آنها منفرد است، منع شده است؟» (شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۷۶) باید بگوییم منع از عمل به روایاتی که احمد بن هلال منفرد در نقل آنهاست در حقیقت بازمی‌گردد به همان بیانی که در معنای تعبیر «يعرف منها و ينكر» بیان شد؛ یعنی احمد بن هلال به عنوان طریق به کتب و روایات راویان دیگر، فرد مورداعتمادی است؛ اما نسبت به اینکه محتوای روایت و یا مروی عنه نیز مورداعتماد باشند، مورد تردید است؛ لذا این دو گزارش منافاتی با یکدیگر ندارند.

۵. ۴. اکثار نقل روایت از ایشان

کثرت نقل روایت از احمد بن هلال دلیل دیگری بر وثاقت ایشان است. بزرگانی مانند سعد بن عبدالله، حمیری، حسن بن علی زیتونی، ابراهیم بن محمد الهمدانی، محمد بن علی بن محبوب، محمد بن عیسی العبیدی، موسی بن الحسن الأشعری، حسن بن علی بن عبد الله بن المغیره، محمد بن یحیی العطار، علی بن محمد بن حفص، غیر اینها از احمد بن هلال روایت کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۲). دو تقریب در بیان این توثیق عام وجود دارد: برخی حجیت کثرت نقل را از باب اکثار روایت ثقات (افراد ثقه‌ای که در مورد آنها یروی عن الضعفا گفته نشده است) می‌دانند چرا که کثرت نقل از ضعفا، از اسباب ضعف شمرده می‌شود؛ بنابراین کثرت نقل ثقات از یک راوی نشانه وثاقت ایشان است و برخی دیگر اکثار را زمانی حجت می‌دانند که بزرگان و راویان معروف (اجلاء) از فردی زیاد روایت نقل کنند یا در نقل مطالب، بر او اعتماد کنند و نسبت به او قدح و ذمی نرسیده باشد. در این

صورت اطمینان به وثاقت او یا حداقل حُسن او پیدا می‌شود.

البته باید دقت نمود که مدار و ملاک در تحقق کثرت، حصول اطمینان است و در حصول اطمینان، اینکه راوی چه کسی باشد و روایات نقل شده چگونه روایاتی باشد، تأثیرگذار است.

به لحاظ صغری نیز به نظر می‌رسد این کثرت در ناحیه احمد بن هلال صادق باشد. البته طبق تقریب دوم مشکلی که هست وجود مذمت‌هایی است که در حق ایشان نقل شده است. اما چون این قدح و ذمی که در حق احمد بن هلال وارد شده مربوط به اواخر عمر او است و کثرت روایت اجلا از ایشان در زمان استقامت وی بوده، بعید نیست که وثاقت او را در زمان استقامت که ظاهراً اکثر عمر وی را شامل می‌شده احراز نمود.

نقد و بررسی: راجع به تقریب اول باید بگوییم که اولاً نقل زیاد روایت از ضعفاً، به اندازه نقل روایت اندک از آنان رایج بوده است. شاهد مدعا این که در کتب اربعة افراد ثقه، از افرادی که به ضعفشان تصریح شده، زیاد روایت کرده‌اند (ترابی، ۱۴۳۷، ص ۳۴۶). ثانیاً اینکه اگر کسی این عیب (نقل از ضعفاً) را داشت حتماً تذکر داده می‌شد و به ما می‌رسید، محل مناقشه است و در التزام اصحاب کتب رجال به تذکر دادن این نکته ثابت نیست. ثالثاً باید ثابت شود که مروی عنه شیخ اجازه نبوده است. رابعاً نقل روایت زیاد از فردی که ضعیف شمرده شده، لغو و بی‌فایده نیست، بلکه باید هدف ناقل را در نظر گرفت؛ یعنی این گونه نبوده است که همواره نقل روایت به غرض عمل بوده باشد ممکن است هدف او جمع‌آوری مطالبی باشد که به معصومین نسبت داده‌اند، تا دیگران بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند و راهی برای تصحیح و صدور آنها پیدا کنند یا ممکن است به عنوان قرینه و مؤید روایت دیگری استفاده شوند؛ از این رو می‌بینیم که ابن غضائری اجازه می‌دهد، روایات بعضی از راویانی که ضعیف شمرده، به عنوان مؤید و شاهد به کار برده شود؛ مانند اسماعیل بن مهران، خلف بن حماد و.. (غضائری، ۱۳۶۴، ص ۳۸ و ۵۶).

اما راجع به تقریب دوم باید بگوییم این تقریب در اعتماد به راوی به اطمینان نزدیک‌تر است اما همچنان می‌توان قیودی بدان افزود تا به اطمینان کامل تری رسید؛

مثل اینکه کثرت از ناحیه راویان با مکاتب مختلف حدیثی بوده باشد. چرا که قدما در تضعیفات خود از یک روش و ملاک واحدی تبعیت نمی‌کردند و لذا ممکن است کثرت نقل از یک راوی به خاطر اعتماد شخصی وی به محتوا یا مروی عنه بوده باشد. به هر حال به نظر می‌رسد کثرت نقل به این معنا می‌تواند دال بر وثاقت و یا حداقل مدح بوده باشد.

۵.۵. کلام شیخ طوسی

از ادله‌ای که می‌توان برای وثاقت احمد بن هلال استفاده نمود، قاعده‌ای است که شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* راجع به روایات غلات مطرح کرده و در آن بین حالت استقامت و انحراف تفصیل داده است؛ ایشان می‌فرمایند: غلات اگر از کسانی باشند که حالت غلو و استقامت برای آنها شناخته شده باشد، در این صورت به روایت آنها در حال استقامت اعتماد می‌شود (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۱). از جهت صغری نیز احمد بن هلال با توجه به گزارش‌هایی که به دست ما رسیده آنچه که از او ظاهر شده در اواخر عمر وی بوده است.

نقد و بررسی: نکته‌ای که در این استدلال بعد قبول کبری وجود دارد، این است که امکان دارد کسی بگوید آنچه که از گزارش‌ها به ما رسیده تنها انحراف ایشان را اثبات می‌کند؛ اما اینکه انحراف ایشان از چه زمانی بوده را بیان نمی‌کند. بنابراین احتمال دارد که انحراف خود را کتمان می‌کرده است.

۵.۶. عمل اصحاب

دلیل دیگری که برای وثاقت احمد بن هلال بدان استدلال شده است عمل اصحاب است. زمانی که قدمایی از فقها بر اساس یک روایتی فتوا بدهند و آن را ملاک در عمل قرار بدهند و نسبت به صدور آن روایت خدشه‌ای وارد نکنند، نشان می‌دهد که آنها به صدور آن اعتماد داشته‌اند.

به لحاظ صغری شیخ مفید (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۱۵۰) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸۳) و ابن ادریس (ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۱۴) و محقق (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۹) بر اساس مدلول روایتی که حلبی آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده،

عمل کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۷) و برخی نیز در وجه جمع با روایت دیگر حمل به کراهت کرده‌اند و حال آنکه اگر احمد بن هلال ضعیف بود کنار گذاشته می‌شد؛ خصوصاً در مقام تعارض. همچنین شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه در باب الحرية روایتی از احمد بن هلال نقل کرده است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۴۳).

نقد و بررسی: اولاً راجع به شیخ مفید و ابن ادریس باید بگوییم که این بزرگواران به اخبار محفوف به قرائن عمل می‌کرده‌اند. ثانیاً شیخ طوسی در تهذیب در مواردی روایت احمد بن هلال را کنار می‌گذارد و می‌فرماید آنچه که احمد بن هلال در نقل آن منفرد باشد را نمی‌پذیرد؛ بنابراین ظاهراً در این مورد احمد بن هلال منفرد نبوده و ایشان قرینه‌ای داشته است. ثالثاً به‌طور کلی صحیح در نزد قدما متفاوت با متأخرین است؛ بنابراین ولو جابر بودن عمل اصحاب را نیز بپذیریم این به معنای وثاقت همه افراد در سند نخواهد بود.

۵. ۷. شیخ اجازه

یکی از دلایلی که برای وثاقت احمد بن هلال بدان استدلال شده است، شیخ اجازه بودن وی است. شیخ اجازه به کسی گفته می‌شود که به دیگری اجازه نقل روایت کتابی را می‌دهد. شیخ اجازه بودن، منصبی جلیل‌القدر است و کسی که متصف به آن شده باشد، عادل و موثق است. به عبارت دیگر، مشایخ اجازه، بی‌نیاز از توثیق هستند. از جهت صغروی نیز ابن غضائری گزارش کرده است که اصحاب به احمد بن هلال در نقل دو کتاب المشیخه ابن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر اعتماد می‌کردند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۲؛ حلی، ۱۳۴۲، ص ۴۲۵). بنابراین وی مورد مراجعه اصحاب برای دریافت روایت و اجازه بوده و اگر اصحاب وی را مورد اعتماد نمی‌دانستند به او مراجعه نمی‌کردند. چنانچه مرحوم مجلسی در روضة المتقین همین استظهار را از کلام ابن غضائری مطرح کرده است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۴۷). همچنین تعبیر شیخ طوسی نیز که فرمود: «وقد روی اکثر اصول اصحابنا» می‌تواند شاهدی بر این مدعا بوده باشد (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۸۴).

نقد و بررسی: با توجه به اینکه قدما گاهی افراد ضعیف را به‌عنوان طریق به

مشایخ اجازه حکم کرد، بلکه باید مورد به مورد ملاحظه شود که آیا قرائن و شواهدی برای تزکیه یا مدح او موجود است یا نه. بنابراین، مشایخ اجازه‌ای که معروف و مشهور بوده‌اند و ذکر نام آنان فقط برای اتصال سند نبوده - به شرط اینکه قدحی درباره آنان نرسیده باشد - ثقه هستند؛ خصوصاً اگر شاگردانی که از او اجازه روایت گرفته‌اند از محدثانی باشند که در انتخاب استاد و نقل روایت از او دقت می‌کرده‌اند، مانند مشایخ مشهور نجاشی.

اما از جهت صغری باید بگوییم در تعبیر «قد سمع هذین الکتابین جلة أصحاب الحدیث» در کلام ابن غضائری دو احتمال وجود دارد؛ یکی اینکه کتاب ابن محبوب و ابن ابی عمیر در میان اصحاب معروف و مشهور بوده و لذا اعتماد آنها به احمد بن هلال از باب اتصال سند بوده است و دیگری اینکه مقصود این باشد که اصحاب این دو کتاب را از احمد بن هلال شنیده و به او اعتماد کرده‌اند که با این احتمال استدلال تام خواهد بود. اما عبارت ظهور در احتمال اول دارد که با توقف ابن غضائری نسبت به روایات احمد بن هلال نیز تطابق دارد.

۵. ۸. وقوع در مشیخه صدوق

از دیگر ادله‌ای که می‌توان برای وثاقت احمد بن هلال به آن استدلال کرد، واقع شدن ایشان در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه است. با توجه به پابندی صدوق به نقل از کتاب‌های مشهور و معتبر و موردا اعتماد (چنانچه از مقدمه کتاب بر می‌آید) بی‌شک، نویسندگان آنها ممدوح بوده‌اند. پس کسانی که در ابتدای اسناد کتاب من لایحضره الفقیه قرار دارند و صدوق در مشیخه طریق خود را به آنان آورده، ممدوح هستند و به لحاظ صغری نیز شیخ صدوق طریق خود را به احمد بن هلال در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه بیان کرده است. همچنین ایشان احمد بن هلال را در طریق به امیه بن عمرو از شعیری قرار می‌دهد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۵۲۸).

نقد و بررسی: مرحوم صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه چنین فرموده است که تمامی روایاتی که در این کتاب ذکر شده است از کتب معروف و مشهوری اخذ شده است که تکیه بر آنهاست و محل رجوع است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳). این امر نشان‌دهنده اعتبار مصادر کتابت ایشان، بلکه وثاقت مؤلفین این کتاب‌ها

است؛ ولی آنچه مانع برای استفاده و بهره‌گیری از این توثیق است این است که صدوق رحمه‌الله در مشیخه خود تعیین نکرده است که کدام یک از افراد مذکور در طرق، صاحب کتاب و مصدري است که از آن روایت را اخذ نموده است. توضیح بیشتر آنکه شیخ طوسی در کتاب تهذیب و استبصار، چنین عمل نموده است که شخصی که از کتاب آن شخص روایت را اخذ نموده است در صدر سند روایت ذکر می‌کند و در مشیخه طریق خود را به صاحب کتاب بیان می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۴) و از همین روی افرادی که در مشیخه تهذیبین سند به آنها ذکر شده است صاحبان مصادری هستند که روایات تهذیبین از آنها اخذ شده است؛ ولی در مورد شیخ صدوق و کتاب من لایحضره الفقیه باید گفت هیچ قرینه‌ای بر این امر که افراد مذکور در مشیخه صاحبان کتب و مصادر من لایحضره الفقیه هستند وجود ندارد؛ بلکه قرائنی مانند وجود افرادی گمنام و بلکه مجهول و یا وجود افرادی که هیچ کتابی ندارند در مشیخه دلیل بر این است که سند مذکور در مشیخه به صاحبان کتب نیست.

نتیجه‌گیری

از مطالبی که بیان شد این نتایج حاصل می‌شود:

۱. با بررسی تمام وجوهی که برای تضعیف احمد بن هلال بیان شده است، روشن شد که هیچ یک از این ادله تمام نبوده و دلیلی بر ضعف و عدم وثاقت مطلق این راوی وجود ندارد.
۲. با بررسی تمام وجوه وثاقت احمد بن هلال، واضح شد که از هشت دلیل اقامه شده برای وثاقت وی تنها دلیل سوم و چهارم تمام بودند. یعنی می‌توان برای وثاقت احمد بن هلال به کلام مرحوم نجاشی نسبت به وی و همچنین کثرت نقل اجلاء از وی تمسک نمود.
۳. با توجه به گزارش‌های ذکر شده راجع به عقیده و مذهب احمد بن هلال به دست می‌آید که وی در اواخر عمر منحرف شده و از دستورات امام علیه السلام سرپیچی کرده است و همچنین نیابت ابی جعفر محمد بن عثمان العمری را انکار کرده است.
۴. از حیث پذیرش و حجیت روایات او، باید گفت که موضوع حجیت خبر واحد، وثاقت راوی است که البته می‌تواند با انحراف عقیده نیز جمع شود. حال با

توجه به ادله متعدد اقامه شده بر وثاقت احمد بن هلال باید پذیرفت که ایشان در ابتدای امر ثقه بوده است و روایات او مورد پذیرش بوده است و نسبت به بعد از انحراف اگر در وثاقت احمد بن هلال شک کردیم، استصحاب بقای وثاقت جاری است اما به نظر متفاهم عرفی از ادله وارد شده در انحراف این راوی این است که ایشان وثاقت را از دست داده است. بنابراین، روایات صادره در دوره انحراف این راوی فاقد حجیت می‌باشد. لذا در مواردی که احراز نکردیم روایت برای چه دوره‌ای بوده است، این روایت فاقد حجیت است و تمسک به ادله حجیت خبر واحد در این موارد، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌باشد. اما نسبت به اینکه روایات احمد بن هلال در چه دوره‌ای صادر شده است باید گفت در مواردی ممکن است قرینه‌ای خاص بر زمان صدور اقامه شود؛ مانند راوی و مروی عنه یا قرائن موجود در متن روایت ولی به صورت قرینه عامه نمی‌توان چیزی را بیان نمود. توضیح آنکه همه گزارش‌های نقل شده از انحراف بعد از فوت احمد بن هلال است. تنها در گزارش اول حضرت به اینکه در زمان حیات وی به خواص از اصحاب راجع به احمد بن هلال تذکر داده، اشاره کردند. بنابراین سه احتمال وجود دارد:

۵. احمد بن هلال حتی در زمان حیات، نه در اواخر عمر منحرف بوده و کتمان می‌کرده است. این احتمال ضعیف است چرا که اولاً این میزان از کتمان عادی نیست به گونه‌ای که حتی پس از مرگ و لعن صادر از حضرت نیز انحراف او را باور نمی‌کردند. ثانیاً با توجه به ادله اقامه شده بر وثاقت احمد بن هلال باید پذیرفت که در ابتدای امر، شخصی ثقه بوده و روایات این دوره پذیرفته است.

۶. در اواخر عمر یعنی بعد از شهادت حضرت عسکری علیه السلام منحرف شده و اصحاب از او دوری کردند. این احتمال هم دور از ذهن است که بدون پیش زمینه‌ای انحراف رخ داده باشد و اصحاب نیز سریع دوری کرده باشند. همچنین نمی‌توان گفت که توقیعات وارد شده موجب احتراز اصحاب از روایات این شخص بوده است؛ زیرا عمده این توقیعات بعد از مرگ احمد بن هلال صادر شده است.

۷. در اواخر عمر منحرف شده و اصحاب از روایات او احتراز نموده‌اند.

بنابراین دوره‌ای از اواخر عمر را (زمان مشخصی ندارد) منحرف بوده و اصحاب

از روایات او احتراز نموده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: بی نا.
۲. _____ (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. قم: بی نا.
۳. ابن قولويه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات. نجف اشرف: بی نا.
۴. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۳۸۷ش). موسوعة ابن إدريس الحلبي. قم: دليل ما.
۵. ابو غالب زراري، احمد بن محمد (۱۳۶۹ش). رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين. قم: بی نا.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). مجمع الفكر الاسلامی. قم: کنگره شیخ اعظم انصاری.
۷. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: بی نا.
۸. تبریزی جواد (۱۴۲۹ق). تنقیح مبانی العروة (الطهارة)، قم: دار الصديقة الشهيدة.
۹. ترابی، اکبر (۱۴۳۷ق). پژوهشی در علم رجال. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفى.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: بی نا.
۱۲. حکیم، سید محسن (۱۳۷۴ش). مستمسک العروة الوثقی. قم: دار التفسیر.
۱۳. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۳ق). الرسائل التسع، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.
۱۴. حلّی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲ش). الرجال (لابن داود). تهران: بی نا.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). رجال العلامة الحلبي. نجف اشرف: بی نا.
۱۶. _____ (۱۳۷۴ش). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۷. _____ (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد مقدس: آستانة الرضویة المقدسة. مجمع البحوث الإسلامية.
۱۸. _____ (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۹. حلّی، جعفر بن حسن (۱۳۶۴ش). المعتبر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سیدالشهداء عليه السلام.
۲۰. _____ (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعیلیان.
۲۱. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
۲۲. خواجویی، اسماعیل بن محمد حسین (۱۴۱۳ق). الفوائد الرجالية. مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد مقدس.
۲۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. بی جا: بی نا.
۲۴. _____ (۱۴۱۸ق). فقه الشیعة (کتاب الطهارة). مؤسسة الأفاق.
۲۵. _____ (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئی.
۲۶. داوری، مسلم (۱۴۱۶ق). أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق.
۲۷. روحانی محمدصادق (۱۴۳۵ق). فقه الصادق. قم: آیین دانش.

۲۸. ساعدی، حسین (۱۴۲۶ق). الضعفاء من رجال الحديث. قم: موسسه علمی فرهنگي دارالحدیث.
۲۹. سند، محمد (۱۴۲۹ق). بحوث فی مبانی علم الرجال، قم: مدین.
۳۰. سیستانی، محمدرضا (۱۴۳۷ق). قبسات من علم الرجال. بیروت: دارالمورخ العربی.
۳۱. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۹۸ش). ارزیابی وثاقت مشایخ محمد بن احمد بن یحیی بر پایه توثیق ابن ولید، سالنامه پژوهش‌های رجالی.
۳۲. _____ . کتاب الصوم. قم: انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام.
۳۳. _____ . کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۴. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۹ش). رسائل الشہید الثانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. عاملی، محمد بن حسن بن شہید ثانی (۱۴۱۹ق). استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار. قم: بی‌نا.
۳۶. شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال، قم: دفتر نشر اسلامی.
۳۷. صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۴ق). المؤتمر العالمي للإمام الشہید الصدر. قم: مؤسسة الشہید السید محمدباقر الصدر.
۳۸. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۱۷ق). مصباح المنهاج (الطهارة). بیروت: مؤسسة المنار.
۳۹. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: بی‌نا.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: بی‌نا.
۴۱. _____ (۱۴۱۱ق). کتاب الغیبة للحجة. قم: بی‌نا.
۴۲. _____ (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام تهران: بی‌نا.
۴۳. _____ (۱۳۷۳ق). رجال الطوسی. قم: بی‌نا.
۴۴. _____ (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول. قم: بی‌نا.
۴۵. _____ (۱۴۱۷ق). العدة فی أصول الفقه. قم: بی‌نا.
۴۶. _____ (۱۴۰۰ق). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الکتاب العربی.
۴۷. _____ (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: مکتبة المرتضویة.
۴۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۳۲ق). تفصیل الشریعة (الطهارة)، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم: بی‌نا.
۵۰. کامیاب، مسلم؛ عرفان، امیرمحسن (بهار ۱۳۹۳ش). کاوشی در بازشناسی احمد بن هلال عبرتائی از مدعیان دروغین وکالت، مجله انتظار موعود، ش ۴۴.
۵۱. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). رجال الکشی - إختیار معرفة الرجال. مشهد: بی‌نا.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۵۳. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: بی‌نا.
۵۴. مدنی، علی‌خان بن احمد (۱۳۸۴ش). الطراز الأول. مشهد مقدس: بی‌نا.
۵۵. میرداماد، محمدباقر بن محمد (۱۳۱۱ق). الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیة. قم: بی‌نا.

۵۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: بی نا.
۵۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۵۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۸۰ش). رسائل و مسائل. قم: کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی.
۵۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶۰. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: بی نا.
۶۱. واسطی بغدادی، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش). الرجال. قم: بی نا.